سمفونی مرگ در جشن تولد

پسر گیتار زن در جشن تولد یکی از دوستانش در یکی از باغ‌های اطراف تهران مرد جوانی را به قتل رساند.

به گزارش «جوان» چندی قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید چند پسر جوان داخل باغی در اطراف تهران درگیری خونینی را رقم زده‌اند، سپس تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند که دریافتند لحظاتی قبل بین دو گروه شش و سه نفره که همگی جوان بوده‌اند، نزاع دسته‌جمعی خونینی رخ داده که در جریان آن مرد ۳۰ساله‌ای با ضربه چاقوی یکی از طرفین زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است.

بدین ترتیب مأموران برای تحقیقات بیشتر به بیمارستان رفتند که تیم پزشکی اعلام کرد مرد زخمی که حامد نام دارد بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل به کام مرگ رفته است. با اعلام خبر قتل مرد جوان، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به دستور بازپرس جنایی تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کرد. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد قاتل پسر ۲۳ساله‌ای به نام پیام است که همراه پنج نفر از دوستانش در مراسم جشن تولدی در آن باغ شرکت داشته‌اند که با سه نفر از دوستان صاحب باغ درگیری مرگباری را رقم می‌زنند و بعد از محل فرار می‌کنند.

■ گیتار خونین

صاحب باغ به مأموران گفت: معمولاً باغم را برای برگزاری مراسم‌ها و جشن به بستگان و دوستان نزدیک اجاره می‌دهم اما این بار یکی از دوستان نزدیکم به نام بهرام از من خواست باغم را برای چند ساعت به پسر جوانی به نام حمید اجاره بدهم تا مراسم جشن تولدش را برگزار کند. قرار بود جشن تولد به صورت خانوادگی برگزار شود اما بعد متوجه شدم همه مهمان‌های حمید پسر جوان هستند که تلفنی موضوع را به بهرام گفتم و گلایه کردم که او گفت بی‌خیال شوم تا مهمانی‌شان تمام شود و بروند.

وی ادامه داد: ساعتی بعد صدای مشاجره و درگیری آنها به گوشم رسید که فهمیدم پسر جوانی که گیتار می‌زند همراه دوستانش با تعداد دیگری از مهمانان مشاجره لفظی می‌کنند. من فکر کردم درگیری آنها بالا بگیرد، به همین خاطر دوباره با بهرام تماس گرفتم و از او خواستم به باغ بیاید و میانجیگری کند و به درگیری پایان دهد اما بهرام سه نفر از دوستانش را به باغ فرستاد و خودش به باغ نیامد.

وقتی دوستان بهرام به باغ رسیدند، پسر گیتار زن همراه دوستانش از باغ رفته بود اما او گیتارش را جا گذاشته بود و دقایقی بعد دوباره آنها به باغ برگشتند که با سه دوست بهرام درگیر شدند. وقتی درگیری آنها بالا گرفت پسر نوازنده با چاقو ضربه‌ای به حامد زد و او را خونین نقش بر زمین کرد. همه ما شوکه شده بودیم که او همراه پنج نفر از دوستانش با خودروی‌شان از محل گریختند.

■ دستگیری قاتل

بدین ترتیب همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، مأموران پلیس پیام و دوستانش را تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه چند روز بعد موفق شدند گیتارزن و دوستانش را دستگیر کنند.

متهمان پس از انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی به جرمشان اعتراف کردند.

پیام با اظهار پشیمانی در توضیح درگیری مرگبار گفت: روز حادثه جشن تولد یکی از دوستانم به نام حمید بود. او من و پنج نفر از دوستانم را برای جشن دعوت کرده بود و تعداد دیگری از دوستانش هم که ما آنها را نمی‌شناختیم در باغ دعوت بودند. من معمولاً وقتی در جشن تولد دوستانم دعوت می‌شوم، گیتارم را با خودم می‌برم و برای آنها آهنگ می‌زنم و روز حادثه هم در باغ برای دوستان گیتار می‌زدم که با یکی از دوستان حمید مشاجره لفظی کردیم. موضوع درگیری ما بیماری کرونا بود که او می‌گفت چرا حمید به خاطر بیماری کرونا ما را دعوت کرده است. فکر می‌کرد من برای نوازندگی دعوت شده‌ام که با هم مشاجره لفظی کردیم اما دقایقی بعد با میانجیگری دوستان درگیری ما تمام شد. حرف‌های دوست حمید ما را خیلی ناراحت کرد که همراه پنج نفر از دوستانم جشن تولد را ترک کردیم و به داخل شهر آمدیم که در میانه راه متوجه شدم گیتارم را جا گذاشته‌ام و به همین خاطر دوباره همراه دوستانم به باغ برگشتیم. وقتی به باغ رسیدیم با سه نفر از دوستان صاحب باغ روبه‌رو شدیم. تازه متوجه شدیم صاحب باغ چند نفر از دوستانش را خواسته تا به باغ بیایند و اگر درگیری ما بالا گرفت آنها با ما درگیر شوند. سه دوست صاحب باغ وقتی ما را دیدند فکر کردند ما برای درگیری دوباره به باغ برگشته‌ایم که راه ما را سد کردند و درگیری ما با آنها آغاز شد. آنها با چوب و چماق به ما حمله کردند که من هم برای دفاع از خودم با چاقویی که همراه داشتم، ضربه‌ای به یکی از آنها زدم. مرد جوان وقتی زخمی شد من و دوستانم با دو خودرویی که داشتیم از محل فرار کردیم.

در میانه راه با خودروی دیگری تصادف کردیم که خسارت او را نقدی دادیم تا گرفتار مأموران پلیس نشویم اما در نهایت دستگیر شدیم.

وی در پایان گفت: من اصلاً قصد قتل نداشتم اما در درگیری از ترس چاقو را از جیبم بیرون آوردم و فکر نمی‌کردم مرتکب قتل شوم.

متهمان در ادامه به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

مطالبه داغداران در سالگرد حادثه «سینای اطهر» از دستگاه قضا

چرا پس از یک سال هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است؟

■ محبوبه قربانی

امروز سالگرد حادثه آتش‌سوزی کلینیک سینای اطهر است؛ حادثه‌ای که شامگاه دهم تیرماه سال گذشته به خاطر سهل‌انگاری مدیران و مؤسسان کلینیک، جان ۱۹ نفر از جمله پزشک، پرستار و کادر درمانی آن ساختمان را گرفت و عده‌ای را هم مجروح و روانه بیمارستان کرد.

به گزارش «جوان» در آستانه سالگرد این عزیزان، بنا بود مراسم یادبودی در همان محل حادثه برگزار شود. این مراسم غروب سه‌شنبه برگزار شد و حوالی ساعت ۷ بود که خانواده قربانیان در حالی که عکس عزیزانشان را به همراه گل و شمع در دست داشتند به آنجا آمدند. مقابل ساختمان چند تاج گل گذاشته شده و روی یک میز گرد تندیس‌هایی از جان‌باختگان این حادثه چیده شده بود. این تندیس‌ها اهدایی مسئولان کلینیک نبود، آنها را شوهر یکی از قربانیان این حادثه خانم دکتر فهیمه رحمانی ساخته و به آن مراسم آورده بود. هوا رو به تاریکی می‌رفت و شعله‌های شمع که بین گل‌های پرپر شده چیده شده بود در آن تاریکی فضا، روشنای محفل بود. در آن فضای مملو از غم و اندوه حین قرائت زیارت عاشورا صدای ضجه پدران و مادران طوری بلند شد که دل همه حاضران را شکست و از چشمان آنها هم اشک بارید. روی ساختمان در حالی که هنوز آثار سوختگی نمایان و دورش حصار کشیده شده بود، بنر تصاویر جانباختگان نصب بود. کنار آن هم یک بنر دیگر رویش نوشته شده بود: «تلاش خانواده‌های داغدار برای تحقق اهدافمان در جهت عدم تکرار فاجعه‌ای مشابه»، روی بنر دیگر نصب شده هم نوشته شده بود: «با گذشت یک سال از حادثه دلخراش آتش‌سوزی کلینیک سینا اطهر و با پیگیری مکرر خانواده‌ها هنوز هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است. لطفاً مراجع قضایی با پیگیری پرونده مسببان این حادثه را به اشد مجازات برسانند» زیر این بنر هم همان خانواده‌های مطالبه‌گر با چشم گریان ایستاده بودند.

■ پرونده پس از یک سال در مرحله کارشناسی است!

محمدرضا زمانی‌علویجه، وکیل خانواده اولیای دم گفت: «در این پرونده هیئت ۱۱نفره کارشناسان رسمی دادگستری در ۳۶۰صفحه اعلام نظر کرده‌اند. در فصل سوم این گزارش به ابعاد چرایی وقوع حادثه پرداخته شده که طبق نظر هیئت کارشناسی توضیحات لازم داده شده است. هیئت کارشناسی عوامل زیادی از جمله عدم رعایت اصول و موازین ایمنی در جانمایی، طراحی و اجرای سازه و ساختمان و جابه‌جایی بدون رعایت موازین ایمنی اتاق سانترال گاز اکسیژن از زیرزمین به حیاط، نبود سیستم‌های اعلام و اطفای آتش‌سوزی در ساختمان، عدم رعایت ضوابط قانونی در اعطای پروانه بهره‌برداری و مجوز هر سه مرکز توسط وزارت بهداشت و امهال و سهل‌انگاری شهرداری منطقه یک در نحوه بهره‌برداری و گسترش بدون ضابطه فضای این مراکز را در توسعه ابعاد حادثه دخیل دانسته است.»

وکیل پرونده افزود: «براساس نظر هیئت کارشناسی ۱۷سازمان، وزارتخانه و شخص حقیقی و حقوقی مقصر شناخته شده‌اند که عبارتند از: هیئت مؤسسان کلینیک، هیئت مدیره و مدیرعامل کلینیک، مسئول تأسیسات کلینیک، پیمانکار شارژ و تست سیلندرها و پیمانکار تأمین‌کننده اکسیژن، مسئولان فنی، مدیر مؤسسه تصویربرداری سینای اطهر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با محوریت معاونت درمان آن وزارتخانه، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و معاونت درمان آن، ساختار مدیریت شهری متشکل از شهرداری منطقه یک، شهرداری تهران، آتش‌نشانی و شورای شهر تهران، معاونت امور عمرانی وزارت کشور، معاونت ساختمان و مسکن وزارت راه و شهرسازی، شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی، معاونت نظارت بر اجرای استاندارد سازمان ملی استاندارد و سازمان اورژانس تهران و وزارت کار.»

زمانی گفت: «در این پرونده متهمان که بیشتر آنها پزشک هستند به اتهام عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی و مسائل ایمنی منجر به قتل غیرعمدی ۱۹نفر ۶۶/۵درصد و سازمان و ارگان‌های دیگر ۳۳/۵درصد مقصر شناخته شدند.»

وی در ادامه گفت: «خانواده‌های اولیای‌دم نسبت به این نظر کارشناسی اعتراض کردند و معتقدند مدیرعامل و صاحب کلینیک، مقصران اصلی حادثه‌اند و این میزان تقصیر برای آنها بسیار کم است. بعد از این اعتراض، پرونده با گذشت یک سال از آن حادثه در حالی که دو معاون شهردار نیز برکنار شدند، همچنان در مرحله کارشناسی شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای جنایی در حال تحقیقات است.»

■ مادر پرستو مهرعلی

کوچک‌ترین جانباخته کلینیک سینای اطهر دختری اهل شیراز به نام پرستو مهرعلی بود. پرستو ۲۱سال سن داشت و دو ماه قبل از حادثه به عنوان تکنسین اتاق عمل در آن کلینیک مشغول کار شده بود. مادرش درباره حادثه به خبرنگار ما گفت: «پرستو بعد از قبولی در دانشگاه به تهران آمد و مشغول تحصیل شد. او بعد از اتمام دوره کارآموزی در بیمارستان‌های دولتی در کلینیک مشغول کار شد. پرستو خیلی زرنگ و باهوش بود و با معدل بالا در دانشگاه‌های مشهد و شیراز در رشته پزشکی قبول شد اما به این رشته علاقه بیشتری داشت، به همین خاطر به تهران آمد و در این رشته مشغول تحصیل شد.»

مادر پرستو با بغض ادامه داد: «آن شب یکی از بستگان ما در بیمارستان شیان عمل داشت و قرار بود پرستو در اتاق عمل بالای سرش باشد، به همین خاطر می‌خواست ساعت ۴ بعدازظهر کلینیک را ترک کند اما خانم کیا به او اجازه نداد تا اینکه حوالی ساعت ۹ کلینیک آتش گرفت و ما از طریق تلویزیون متوجه حادثه شدیم.»

مادر پرستو گفت: «دختر اولم در انگلستان مشغول تحصیل بود و قرار بود پرستو هم به آنجا برود. دو خواهر خیلی به هم علاقه‌مند بودند. حدود یک سال قبل پرستو با خواهرش برای انجام کاری حوالی شهرری رفته بود. وقتی برگشتند دختر اولم می‌گفت اخلاق پرستو خیلی عوض شده است، چون وقتی با او در خیابان راه می‌رفتم به کوچه‌ای رسیدیم که به اسم شهیدی مزین شده بود و پرستو با دیدن اسم شهید حالت خاصی به او دست داد. دخترم در حادثه سینای اطهر مثل یک شهید از دنیا رفت و برای همیشه خاموش شد. پرستو شبانه‌روز درس می‌خواند و هیچ تفریحی نکرده بود و کوچک‌ترین فردی بود که در آن حادثه جانش را از دست داد.»

■ مقصران را تا ابد نمی‌بخشم

مادر پرستو ادامه داد: «آن شب دخترم و دیگر جانباختگان به خاطر قصور رئیس کلینیک، دکتر رازی و هیئت مدیره کلینیک جانشان را از دست دادند. طمع آنها باعث شد حتی پول یک عمل را برای خرید سیستم اطفای حریق هزینه نکنند. بعد از این حادثه حتی یکبار هم با ما تماس نگرفتند و از یک دلجویی ساده هم دریغ کردند و من هیچ وقت آنها را نمی‌بخشم. مرگ دختران ما حتی از سقوط هواپیما هم بدتر بود. آنها میان دود و خاکستر سوختند و ذره ذره جان دادند. از آن حادثه به بعد حتی یک شب هم خواب راحت نداشته‌ام و هنوز وحشت‌زده از خواب بیدار می‌شوم و به این فکر می‌کنم که دخترم چطور دلخراش جان داد و میان دود خفه شد. از وزارت بهداشت گلایه داریم، چرا به یک ساختمان مسکونی مجوز کلینیک داده شد و بعد از این حادثه به درخواست ما که ابطال دائمی پروانه کلینیک بود، بهایی داده نشد و پروانه کلینیک تنها دو سال ابطال شد. ما از دستگاه قضا درخواست داریم به خاطر قتل ۱۹ نفر که شامل ۱۵ پزشک و پرستار، دو بیمار و دو نیروی خدمه بود مقصران را به اشد مجازات برساند.»

■ حرف آخر

«در همه سال‌های تحصیلی پرستو، هر روز او را به مدرسه می‌بردم و می‌آوردم تا حتی یک دود سیگار هم او را اذیت نکند. عاقبت بعد از سال‌ها زحمت و تلاش او با خروارها دود و خاکستر جان داد. قبول دارم مثل یک شهید از دنیا رفت اما روح و جان من هم با او سوخت و رفت. پرستو در بهشت فاطمه شیراز آرام گرفت اما جامعه خیلی ارزان نیروهای توانمندی مثل پرستو را از دست داد. الان امیدم به دستگاه قضایی است که حق آنها را از مقصران بگیرد.»

■ پدر لیلا عیوضی‌خانی

لیلا عیوضی‌خانی متخصص بیهوشی و متولد ۷۸ بود. او یک سالی می‌شد که در کلینیک مشغول کار بود. قرار بود دو هفته دیگر مراسم عقدکنانش باشد اما به جای لباس عروسی کفن‌پوش شد.

پدرش آقای علی عیوض‌خانی در مصاحبه با خبرنگار ما از رابطه عاطفی با دخترش سخن گفت و ادامه داد: «من عاشق دخترم بودم. چند سال قبل از ازدواج روزی از خدا خواستم دختری زیبا و زرنگ به من ببخشد و من هم قول دادم در تربیتش کم نگذارم. این اتفاق افتاد و لیلا اولین فرزندی بود که خدا به ما هدیه داد. من با نان کارگری او را بزرگ کردم و هیچ چیز برای او کم نگذاشتم. دخترم از بچگی آرزوی دکتر شدن داشت تا اینکه در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول و شهریور ۹۸ فارغ التحصیل شد.»

او از خاطرات روزهای دانشجویی دخترش نیز گفت: «لیلا شب‌ها تا صبح درس می‌خواند و من هم پا به پای او می‌نشستم. گاهی خوابش می‌برد اما دلم نمی‌آمد او را بیدار کنم. یک بار مهمان داشتیم و او نمی‌توانست درس بخواند، به همین خاطر از من خواست به پشت بام برود. زمستان بود و برف و باران می‌آمد، به همین خاطر در پشت بام چادر مسافرتی زدم تا لیلا زیر آن درسش را بخواند. او با این سختی درس خواند و حتی یک بار هم کلاس و معلم خصوصی نداشت.»

■ شب حادثه

آن شب حوالی ساعت ۸/۵ بود که تماس گرفت و خواست دنبالش بروم و این آخرین تماس دخترم بود. وقتی مقابل کلینیک رسیدم، دیدم ساختمان آتش گرفته است. می‌خواستم بالا بروم ولی امکانش نبود. وقتی مأمور آتش‌نشانی را دیدم زانویم را زمین زدم و پیراهنش را گرفتم و گفتم به دادم برسید، بچه‌ام اینجا کار می‌کرد. او مرا بالا برد و از دور نگاه کردم اما دخترم در کمد حبس شده بود.

بیشتر قربانیان این حادثه دختر بودند و سن کمی داشتند ولی باغیرت بودند چراکه همگی می‌توانستند فرار کنند و خودشان را نجات دهند اما به خاطر احیای بیماران ماندند و سوختند.

■ دلتنگی‌های پدر در فراق دختر

پدر لیلا که اشک می‌ریخت، از دلتنگی‌هایش گفت: «از مرگ فرزندم یک سال گذشته است ولی هنوز هم دم غروب برایم جهنم است. دختر دیگرم و پسرم خواب آشفته دارند، به طوری که گاهی شب‌ها بلند می‌شوند و فریاد می‌کشند. آنها را آرام می‌کنم و خودم به پشت بام پناه می‌برم.»

او ادامه داد: «به خاطر شیوع کرونا خواستم سرکار نرود. قبول کرد اما روزی گفت بابا عذاب وجدان دارم، فکری برایم کن. جوابی نداشتم و راضی شدم کارش را ادامه دهد. لیلا کارت اهدای عضو هم گرفته بود. وقتی آن را به من نشان داد اهمیتی ندادم اما او با شوق گفت پدر نمی‌دانی چه لذتی دارد، بمیری و اعضای بدنت را اهدا کنند. روزی که جسد لیلا در پزشکی قانونی بود، امضا دادم، اگر امکان اهدای عضو بود اعضای بدنش اهدا شود.

مقصران حادثه در محضر خدا چه جوابی دارند؟! با این همه دلتنگی تا حالا یک مسئول از طرف وزارت بهداشت یا دانشگاه نه تماسی گرفته و نه دلجویی کرده است. فقط همان روزهای اول چند نماینده مجلس از طرف دکتر قالیباف آمدند. دخترم راهیان نور رفته بود و وقتی برگشت فیلمی نشانم داد که پای برهنه روی خاک‌های شلمچه راه می‌رفت. گفتم چرا پابرهنه راه رفتی؟ گفت روی آن خاک خون افرادی ریخته شده که برای کشور و آرمان‌ها جان داده‌اند. من سال‌ها در بسیج بودم و با اعتقاد به بسیج و بسیجی فرزندم را بزرگ کردم. لیلای من هم خونش را پای آرمانش داد و اعتقاد دارم اگر هستی‌مان را در راه ولایت و کشور فدا کنیم گلایه ندارد ولی در این حادثه وقتی می‌بینم مسببان آن با رشوه به خون فرزندانمان دهن‌کجی می‌کنند قلبم درد می‌گیرد.

بعد از حادثه مقام معظم رهبری پیام تسلیت دادند، سپس ایشان به آیت‌الله رئیسی هم دستور دادند در رسیدگی به این پرونده تسریع شود اما یک سال گذشته و هنوز اتفاقی نیفتاده است. قلبم به درد می‌آید وقتی می‌بینم مقصران در جایی دیگر کلینیک زده‌اند و بی‌دردسر مشغول کار هستند! امید دارم این پرونده به جایی ختم شود که دیگر خانواده‌ای شاهد این نوع سهل‌انگاری نباشد و عزیزی از دست ندهد.»

■ گلایه دیگر خانواده‌ها

شبنم دیبایی‌فر، تکنسین اتاق عمل کلینیک بود که در آن حادثه جانش را از دست داد. پدرش در مصاحبه‌ای که دی ماه سال گذشته داشت، با گلایه از مسئولان گفت: «آن روز وقتی نگاهم به بعضی از مسئولان حاضر افتاد، متوجه شدم در حال گرفتن سلفی هستند! درست لحظه‌ای که دخترم جان داده بود و دیگر جوان‌ها در حال جان دادن بودند.» او در آخر گفت: «باید رأی کارشناسان در حدی باشد که دیگر شاهد این قبیل اتفاقات برای امثال شبنم و شبنم‌ها نباشیم. امیدوارم گذشت زمان باعث کمرنگ شدن این حادثه و فرصتی برای مقصران نشود.»

■ مرگ در روز تولد

فاطمه اعلایی معروف به آیدا هم به عنوان کارشناس بیهوشی در آن کلینیک مشغول کار بود. او ۲۳سال سن داشت که روز تولدش در آن حادثه جان باخت و آسمانی شد. پدر آیدا هم قبلاً در مصاحبه‌ای درباره گلایه‌اش گفته بود: «قرار بود دخترم به انگلیس برود که به خاطر کرونا امکان سفر فراهم نشد. من برای پیشرفت او خیلی هزینه کردم. اگر الان جوان معتاد تحویل جامعه می‌دادم سرزنش می‌شدم، اما با تحویل یک فرزند پزشک به جامعه یک سؤال دارم و آن اینکه چرا اینقدر ارزان و به خاطر سهل‌انگاری او را پرپر کردید؟ حالا در جایگاهی هستم که من باید سرزنشتان کنم.»

پدر آیدا از بی‌توجهی به جان‌هایی که آسان از دست می‌رود، گفته بود: «با همه قصور و کوتاهی‌ها تنها یک سؤال دارم و اینکه شما پزشکان بی‌مسئولیتی که هنوز هم در کلینیک‌های دیگر مشغول فعالیت هستید، انسانیت‌تان کجاست؟ شما از یک شاخه گل بر سر مزار فرزندانمان هم دریغ کردید؟ حضرت آقا پیام تسلیت دادند ولی شما به خودتان اجازه ندادید، حتی یک تسلیت به ما بگویید. من در بین این خانواده‌ها افرادی را می‌شناسم که فرزندشان نان‌آور خانه بودند. با این اتفاق آنها در هزینه‌های زندگی به مشکل خورده‌اند. شما که از سادگی جوان‌ها سوءاستفاده کردید و آنها را بیمه نکردید. اصلاً آنها را می‌شناسید؟ تنها خواسته ما اشد مجازات است.»

درگیری مرگبار پزشک و دندانپزشک

پزشک نیشابوری که در درگیری دوست دندانپزشکش را با چاقو زخمی کرده بود، پس از درگیری به زندگی خود پایان داد.

روز سه‌شنبه هشتم تیر ماه مأموران پلیس شهرستان نیشابور از درگیری خونین دو پزشک در یکی از شعبات بانک سپه در خیابان امام خمینی(ره) آن شهر باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد در آن درگیری دکتر پزشک جراح عمومی به نام سعید به خاطر اختلافات قدیمی دوست دندانپزشک خود را با ضربات چاقو زخمی و از محل فرار کرده است.

همچنین مشخص می‌شود در حالی که دندانپزشک مجروح در بیمارستان از مرگ نجات پیدا می‌کند، ضارب به خاطر مسمومیت دارویی به بیمارستان منتقل و در ادامه برای درمان با بالگرد به بیمارستان امام رضا(ع) شهر مشهد منتقل می‌شود اما بر اثر شدت مسمومیت ناشی از مصرف قرص برنج به کام مرگ می‌رود.

سرهنگ حسین علیزاده، رئیس نیروی انتظامی نیشابور نیز در خصوص علت درگیری گفت: دلیل درگیری اختلافات قبلی بوده، اما علت دقیق آن در دست بررسی است.

پراید نصف شد!

یک دستگاه خودروی سواری پراید در تصادف با تریلی و اتوبوسی در محور آزادراه همدان از وسط نصف شد اما راننده آن جان سالم به در برد.

رئیس پلیس راه استان همدان روز چهارشنبه به ایرنا گفت: یک دستگاه سواری پراید با بار زدن طاقه‌های پارچه از سمت تهران به همدان در حال تردد بود که در کیلومتر ۵۳جاده آزادراه همدان دو راهی فامنین راننده خوابش می‌گیرد و با گاردریل برخورد می‌کند و به صورت عرضی در وسط جاده قرار می‌گیرد.

سرهنگ رضا عزیزی افزود: پس از این حادثه سرنشینان خودروی دیگری به کمک راننده می‌روند و او را از داخل خودرو خارج می‌کنند که در همین لحظه یک دستگاه تریلی و اتوبوسی که به موازات هم حرکت می‌کردند با خودروی پراید برخورد و خودرو را دو نصف می‌کنند.

مرگ ۶۹ نفر در کانادا بر اثر گرما

افزایش دمای هوا در ونکوور کانادا مرگ دست‌کم ۶۹ نفر را رقم زد.

به گزارش ایسنا، بنا بر اعلام رسانه‌های محلی، تاکنون دست‌کم ۶۹ نفر در منطقه ونکوور به دلیل افزایش شدید دمای هوا که غرب کانادا و منطقه شمال غربی پاسیفیک در ایالات متحده را فرا گرفته است جان خود را از دست داده‌اند.

مقامات کانادایی، بیشتر قربانیان افزایش دما در منطقه ونکوور که طی ۲۴ساعت گذشته فوت کرده‌اند افراد مسن و مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای اعلام کرده‌اند. همچنین از روز دوشنبه در مناطق دیگر، موارد بسیاری از فوت ناگهانی گزارش شده است که در حال حاضر آمار آن مشخص نیست.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو پارس خودرو تیپ AT_BRILLIANCE_H۳۲۰ مدل ۱۳۹۶ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۱۸۷۶۸ ن ۶۶) به شماره موتور BM۱۵L*G۰۰۷۱۱۹ و شماره شاسی NAPH۳۲۰ABH۱۰۱۰۵۲۰ متعلق به هایده بابالویی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

البرز

آگهی تغییرات

آگهی تغییرات شرکت پروتئین استقلال شوط سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۳۴۳۳۲۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۲۸/۰۳/۱۴۰۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -۱ آقای صادق اصغرزاده کد ملی (۶۴۰۹۴۵۹۸۰۷) بسمت بازرس اصلی و آقای میر یحیی یحیائی به کد ملی (۶۴۰۹۴۷۰۴۴۴) بسمت بازرس علی البدل شرکت به مدت یک سال مالی انتخاب شدند اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ماکو (۱۱۵۸۱۵۴)

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی
آگهی موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۱۲۸هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضامیکده فریمان فرزندرحمن بشماره شناسنامه ۴۰۶کدملی ۰۸۴۹۴۵۵۱۰۳صادره ازفریمان دریک باب ساختمان به مساحت ۸۶۸مترمربع پلاک ۲۷۶اصلی واقع دربخش ۱۳خریداری ازبنیاد مستضعفان محرز گردیده است.لذابمنظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵روزآگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابمراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۴/۱۰
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۴/۲۴

محمدرضا رجایی مقدم–رئیس اداره ثبت اسناد و املاک